

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۶۷-۲۹۰

حکمی زاده و نقد دیدگاه او در انکار حجیت احادیث

علی شریفی *

خلیل عارفی **

◀ چکیده

علی اکبر حکمی زاده قائل به دیدگاه قرآن بسندگی در دین است؛ طبق نظر وی قرآن تنها منبع قابل استفاده در استنباط معارف و احکام دینی است و برای تمام مسائل و امور دینی فقط باید از قرآن بهره گیری کرد. قائلان این دیدگاه حجیت احادیث را منکر شده اند. حکمی زاده نیز حجیت تمام احادیث را در استنباط احکام و معارف دینی منکر شده است. وی در کتاب *اسرار هزارساله* به این دیدگاه پرداخته و با ذکر ادله ای مدعی انکار حجیت احادیث شده است. طبق نظر برگزیده دیدگاه قرآن بسندگی در دین باطل است و ادله انکار حجیت تمام احادیث مردود است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی در صدد تحلیل، نقد و رد مطالب علی اکبر حکمی زاده در مورد دیدگاه قرآن بسندگی در دین و انکار حجیت احادیث است. گرچه برخی از علما از جمله امام خمینی، مطالب مطروحه در اثر *اسرار هزارساله* را مورد بررسی و نقد قرار داده اند، به نظر می رسد نقد دیدگاه حکمی زاده درباره انکار حجیت احادیث، نیازمند پژوهشی گسترده تر است.

◀ **کلیدواژه ها:** حکمی زاده، *اسرار هزارساله*، حجیت احادیث، قرآن بسندگی، قرآنیون.

* دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول / dralisharifi15@gmail.com

** دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / arefy313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۰

۱. مقدمه

فهم مسائل و امور دینی از مباحثی است که در طول تاریخ بسیار مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته شده است. عده‌ای قائل‌اند که در فهم مباحث دینی فقط باید به قرآن اکتفا کرد؛ یعنی معتقد به قرآن‌بستگی در دین‌اند و حجیت تمام احادیث را منکرند. از جمله این افراد علی‌اکبر حکمی‌زاده است. این دسته از افراد روایات را بی‌اعتبار می‌دانند و از روایات در فهم امور دینی بهره‌گیری نمی‌کنند و معتقدند تمام مباحث دینی را باید از قرآن گرفت. ولی طبق نظر برگزیده این دیدگاه اشتباه است و اشکالات فراوانی بر آن وجود دارد. پرسش سؤال اصلی پژوهش فرارو این است که دیدگاه علی‌اکبر حکمی‌زاده درباره انکار حجیت احادیث چگونه بررسی و نقد می‌شود؟

هرکس که قائل به قرآن‌بستگی در دین شود، در واقع حجیت تمام احادیث در استنباط احکام و معارف دینی را منکر شده است. به‌بیانی دیگر لازمه دیدگاه قرآن‌بستگی در دین، انکار حجیت تمام احادیث است. بنابراین برای نقد دیدگاه انکار حجیت احادیث، باید دیدگاه قرآن‌بستگی در دین نیز نقد شود. در این مقاله به نقد دیدگاه قرآن‌بستگی در دین و انکار حجیت احادیث پرداخته شده است.

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد انتقادی در صدد بررسی و نقد مطالب علی‌اکبر حکمی‌زاده درباره دیدگاه انکار حجیت تمام احادیث است. وی در کتاب *اسرار هزارساله*، به‌خصوص در گفتار ششم حجیت تمام احادیث را منکر شده و ادله‌ای بر این مدعا نقل کرده است که در این مقاله این ادله مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار خواهند گرفت.

رویکرد قرآن‌بستگی در دین و انکار حجیت احادیث امروزه نیز مطرح است و برخی قائل‌اند که تمام معارف و احکام دینی را باید از قرآن برداشت کرد. قائلان به این دیدگاه با استناد به دلایل متعددی مانند ضعف برخی از راویان احادیث، جعل حدیث، قانون منع صدساله نقل و کتابت حدیث در دوران خلیفه اول و دوم، تمام احادیث را غیرمعتبر می‌دانند. بنابراین نقد این دیدگاه و تبیین بطلان ادله قائلان به این دیدگاه دارای اهمیت فراوانی است تا روش صحیح استنباط احکام و مباحث دینی واضح گردد.

در جستارگری رایانه‌ای در موضوع پژوهش، اثری یافت نشد؛ البته کتابی در رد دیدگاه وی وجود دارد که در آن نیز دیدگاه حکمی‌زاده درباره انکار حجیت احادیث به‌طور کامل نقد نشده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پیشینه دیدگاه قرآن‌بسندها در دین و انکار حجیت احادیث، به دوران بعد از وفات پیامبر برمی‌گردد که خلیفه اول و دوم با ندای «حسبنا کتاب الله» این دیدگاه را رواج دادند. (روشن‌ضمیر، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶)

در خصوص جریان قرآن‌بسندها آثاری وجود دارد؛ از جمله: کتاب *جریان‌شناسی قرآن‌بسندها* (روشن‌ضمیر، ۱۳۹۰ش) و کتاب *رابطه قرآن و سنت* (نصیری، ۱۳۹۹ق)؛ که در آن‌ها درباره دیدگاه قرآن‌بسندها در شیعیان ایران و نقد آن مطالب کمتری گفته شده یا مطلبی گفته نشده است. مقاله «نقد قرآنیان شیعه در به‌کارگیری روش تفسیری قرآن به سنت» (مؤدب و همکاران، ۱۳۹۳ش) و مقاله «شخصیت‌شناسی و منبع‌شناسی قرآنیون» (اخوان‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶ش).

برخی از طرفداران قرآن‌بسندها در قرن معاصر از شیعیان ایران هستند. افرادی مانند شریعت سنگلجی، علی‌اکبر حکمی‌زاده، میرزا یوسف شعار و سید ابوالفضل برقعی قائل به این دیدگاه‌اند. درباره نقد دیدگاه افراد مذکور، مقالات متعددی نگاشته شده است، ولی در مورد نقد دیدگاه علی‌اکبر حکمی‌زاده درباره قرآن‌بسندها مقاله‌ای یافت نشد. البته آثاری درباره حکمی‌زاده، مانند کتاب *علی‌اکبر حکمی‌زاده در چهار پرده* (جعفریان، ۱۳۹۸ش) وجود دارد، ولی اثری که دیدگاه حکمی‌زاده مبنی بر قرآن‌بسندها و انکار حجیت احادیث را نقد کند، یافت نشد.

علی‌اکبر حکمی‌زاده^۱ (۱۲۷۶-۱۳۶۶ش) در کتاب خود با عنوان *اسرار هزارساله*، دیدگاه قرآن‌بسندها در دین و انکار حجیت احادیث را تبیین کرد و حجیت تمام احادیث را منکر شد. وی از علما درخواست کرد که پاسخ اشکالات وی را بدهند. محمد خالصی‌زاده اولین پاسخ‌گوی او بود. سپس همت‌آبادی در کتاب *پاسخ‌نامه اسلامی*، جواب‌هایی به وی داد. ولی نوشته‌های این دو عالم اکنون موجود نیست. امام خمینی نیز در کتاب *کشف اسرار*، پاسخ اشکالات وی را داد. این پژوهش با هدف تکمیل پاسخ‌های

داده شده به حکمی زاده نگاشته شده است.

۲. انکار حجیت احادیث از دیدگاه علی اکبر حکمی زاده

اکثر کسانی که منکر حجیت احادیث‌اند، برای استدلال به این نظر، قائل به قرآن‌بسندهی در دین می‌شوند. حکمی زاده نیز از این دسته است و برای انکار حجیت احادیث قائل به قرآن‌بسندهی در دین شده است. بنابراین برای رد نظر او باید دیدگاه قرآن‌بسندهی در دین تبیین و نقد شود.

قرآن‌بسندهی به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. قرآن‌بسندهی در تفسیر؛ ۲. قرآن‌بسندهی در دین. (شریفی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۹) محل بحث در این مقاله قرآن‌بسندهی در دین و نقد این دیدگاه است.

در کتاب *اسرار هزارساله*، مطالبی بیان شده که نشان‌دهنده پذیرش دیدگاه قرآن‌بسندهی در دین توسط مؤلف آن است. برخی از این مطالب در ادامه بیان و نقد می‌شود. علی اکبر حکمی زاده در این کتاب به نیامدن نام هیچ‌یک از ائمه در قرآن اشکال کرده و گفته است: «اگر امامت اصل چهارم از اصول مذهب است... چرا خدا چنین اصل مهم را یک بار هم در قرآن صریح نگفت؟» (حکمی زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۶۱)

همچنین حکمی زاده در کتاب *اسرار هزارساله*، اشکال‌های متعددی بر حجیت احادیث وارد کرده است. وی در گفتار ششم، ابتدا ادله چهارگانه قرآن، سنت، عقل و اجماع را که توسط علما برای استناد به حجیت احادیث مطرح شده، باطل دانسته و گفته است که خود علما آن‌ها را رد کردند. سپس دو دلیل دیگر بر حجیت احادیث، یعنی انسداد و سیره عقلا را نقل و رد می‌کند. (همان، ص ۵۳)

وی بسته بودن باب علم در عمل به تکالیف را انسداد دانسته و سپس در نقد این دلیل گفته است که عمل انسداد از خداوند صادر نمی‌شود. وی آخرین دلیل متصور بر حجیت احادیث را سیره عقلا دانسته است، سپس در نقد این دلیل گفته است که این دلیل تا زمانی صحیح است که دلیلی بر رد آن نداشته باشیم و در ادامه شش دلیل بر رد این دلیل و رد حجیت احادیث ذکر می‌کند. (همان، ص ۵۳ و ۵۴)

۲-۱. ادله عدم حجیت احادیث از دیدگاه حکمی زاده

علی اکبر حکمی زاده ابتدا شش دلیل بر رد حجیت احادیث ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

- . بسیاری از احادیث با عقل نمی‌سازد.
- . بسیاری از احادیث با علم یا حس نمی‌سازد.
- . بسیاری از احادیث با زندگی نمی‌سازد.
- . بیشتر احادیث با خودشان ناسازگارند.
- . بسیاری از احادیث ساختگی است.
- . تمام اخبار ظنی است و به حکم عقل و قرآن پیروی از ظن جایز نیست. (همان، ص ۵۴)

سپس نقدهایی دیگری بر احادیث وارد می‌کند که عبارت‌اند از:

- تعداد روایات صحیح اندک است، مثلاً فقط ۱۲٪ از احادیث کتاب کافی صحیح است؛ ولی در همان تعداد نیز اشکالات مطرح شده وارد است. (همان، ص ۵۵)
- تأویل‌های غیر صحیح و نامربوط احادیث: عاقل سخنش را مطابق فهم عرف بیان می‌کند. پس تأویل کردن نصوص دینی (قرآن و احادیث) کاری غلط است. (همان‌جا)
- بیان نمونه‌های احادیث غیر قابل قبول مانند احادیث گاو، ماهی، جابلقا، بدا. (همان، ص ۵۶)

۲-۲. ریشه دیدگاه حکمی‌زاده در انکار حجیت احادیث

در طول تاریخ اسلام، همیشه عده‌ای با حجیت احادیث مخالفت می‌کردند؛ بنابراین دیدگاه حکمی‌زاده در انکار حجیت احادیث ریشه در اقوال گذشتگان دارد. این دیدگاه، نخستین بار از سوی خلیفه دوم ابراز شد. وی هنگامی که پیامبر ﷺ قلم و کاغذ خواست تا وصیت کند، جمله «حسبنا کتاب الله» را بر زبان راند. پس از آن، در اواخر قرن دوم هجری، گروهی به انکار سنت و بی‌توجهی بدان برخاستند. امام شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق) در الامم، کتاب جماع العلم، بابی را با عنوان «باب حکایة قول الطائفة الّتی ردّت الأخبار کلّها» بدین مسئله اختصاص داده و گفت‌وگوی خود با برخی از آنان را گزارش کرده است. خادم حسین الهی‌بخش، در کتاب القرآن‌یون و شبهاتهم حول السنّة، آن‌ها را طایفه‌ای از خوارج می‌داند و شواهدی نیز بر این امر اقامه کرده است. (مهریزی،

۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶)

تا اینکه این نظریه، مجدداً در قرن سیزدهم هجری، در شبه‌قاره هند مطرح شد و رونق گرفت. سید احمدخان اولین کسی بود که این دیدگاه را در شبه‌قاره هند ارائه کرد. وی علاوه بر انکار مضمون برخی روایات، در نسبت روایت‌ها به پیامبر ﷺ تشکیک کرد و برای پذیرش روایات، شروطی نهاد که فقط در متواتر لفظی، یافت می‌شود و قبول آن‌ها تنها به انکار سنت ختم می‌شود. (همان، ص ۱۶)

در کتاب *القرآنیون و رد شبهاتهم حول السنّة*، ادله صاحبان این نظریه، به‌خوبی استقصا شده که به‌اجمال، از آن نقل می‌گردد. نویسنده این کتاب، هشت دلیل از آنان می‌آورد:

۱. قرآن حاوی همه نیازمندی‌های انسان است و با وجود آن، نیازی به سنت نیست.
 ۲. سنت، وحی الهی نیست، بلکه اقوالی است که آن را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند.
 ۳. عمل به سنت و دخالت دادن آن در قانون، نوعی شرک است و خداوند ما را از آن بازداشته و فرموده است: «*إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ*».
 ۴. سنت، بخشی از منابع دینی به شمار نمی‌رود و صحابه نیز آن را چنین فهمیده‌اند و بدین سبب از نوشتن آن بازداشته‌اند.
 ۵. پیامبر ﷺ صحابه را بر اساس شرایط ویژه ارشاد می‌کرد؛ این بدان معناست که حدیث، به آن شرایط گره خورده است و نمی‌توان آن را به سایر اوضاع و احوال تعمیم داد.
 ۶. سنت از ناحیه سند و متن، مورد نقد محدثان و متکلمان قرار گرفته و چنین چیزی نمی‌تواند از قداست دینی برخوردار باشد. به سخن دیگر، دین جای نقادی انسان‌ها نیست و آنچه چنین است، نمی‌تواند از دین باشد.
 ۷. قرآن کریم مسلمانان را به وحدت فرامی‌خواند و باید در برابر هرآنچه این وحدت را آسیب‌پذیر می‌سازد (که یکی از آن‌ها سنت است) ایستاد و آن را کنار نهاد.
 ۸. سنت به سبب عدم کتابت و نیز بی‌دقتی در نگهداری‌اش، قطعی الثبوت نیست. (نک: الهی‌بخش، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۰ - ۲۴۳؛ مهریزی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۲۰)
- این شبهات هشت‌گانه، در نهایت به دو امر برمی‌گردند: ۱. سنت، اعتبار و حجیت

و حیانی و دینی ندارد؛ چون بدان نیازی نیست، قداست ندارد، موجب شرک است، امری تاریخی و زمان‌مند است و صحابه آن را چنین فهمیده‌اند. ۲. نسبت سنت به پیامبر، قابل احراز نیست؛ زیرا کتابت نشده و شرایط حفظ و نگهداری اش دقیق نبوده است؛ چنان‌که دسّ و وضع مغرضان، جای انکار ندارد. (مهریزی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۲۰)

بنابراین دیدگاه مخالفت با حدیث، در طول تاریخ اسلام بوده و ریشه دیدگاه حکمی‌زاده اقوال گذشتگان است. امروزه نیز این دیدگاه وجود دارد و برخی قائل به این دیدگاه‌اند.

۳. نقد ادله حکمی‌زاده در زمینه انکار حجیت احادیث

در ادامه، ادله استنادشده توسط حکمی‌زاده بر رد حجیت احادیث، به تفصیل پاسخ داده شده و رد می‌شود.

۳-۱. انکار اصل امامت به دلیل عدم ذکر نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن و نقد آن

حکمی‌زاده در نقد به اصل امامت گفته است که چرا نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن نیامده است. (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۶۱) و با نیامدن نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن در صدد انکار اصل امامت است. از همین سخن وی مشخص می‌شود که وی قائل به انکار حجیت احادیث است، چراکه طبق عقیده وی، هر اصل دینی باید در قرآن بیاید و بدون توجه به روایات در صدد انکار مطالبی است که در قرآن نیامده است.

در پاسخ به این سؤال حکمی‌زاده درباره علت نیامدن نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن، روایتی معتبر با شش سند صحیح از کتاب کافی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌شود. در این روایت ابوبصیر تفسیر آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) را از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد و حضرت در پاسخ می‌فرمایند: «این آیه درباره حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نازل شده است [و این افراد مصدق اولی الامر در آیه فوق هستند]، ابوبصیر می‌گوید: به حضرت عرض کردم که مردم می‌گویند که چرا نام علی و خانواده‌اش در کتاب خدای عزوجل نیامده است؟ حضرت فرمودند: به آن مردم بگو که آیه نماز [و دستور به خواندن نماز] بر پیامبر نازل شد، درحالی‌که در قرآن تعداد رکعات نماز و سه‌رکعتی و چهاررکعتی بودن آن تبیین نشده است و پیامبر خود

برای مردم [تعداد رکعات نماز و چگونگی نماز خواندن را] بیان کرد. و همچنین آیه زکات [و دستور به پرداخت زکات] بر پیامبر ﷺ نازل شد، درحالی که در قرآن بیان نشده است که مقدار زکات، از هر چهل درهم یک درهم است و پیامبر خود آن را برای مردم شرح داد. و همچنین امر به حج نازل شد، درحالی که خداوند در قرآن به مردم نگفت که هفت دور طواف کنید و پیامبر این‌ها را برای مردم توضیح داد.^۲ طبق روایت فوق دو پاسخ به سؤال مذکور حکمی زاده داده شده است: اولاً قرآن در مقام بیان کلیات بوده و بیان جزئیات هر امری و تبیین کلیات قرآن بر عهده رسول خدا و جانشینان ایشان است. ثانیاً هرچند که نام ائمه علیهم‌السلام به اسم در قرآن نیامده، بسیاری از آیات قرآن در مورد ائمه نازل شده است؛ مانند آیه ولایت، آیه تطهیر و آیه اولی الامر.

۳-۲. نقد اجمالی ادله حکمی زاده بر رد حجیت احادیث

حکمی زاده در رد ادله حجیت خبر واحد گفته است: «[علمای حجیت احادیث] دلیل از کتاب، سنت، اجماع و عقل آورده‌اند، ولی همه آن‌ها را خودشان جواب دادند به جز دو دلیل [انسداد و سیره عقلا] که آن دو را من جواب می‌دهم.» (حکمی زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۳)

سخن مذکور از حکمی زاده اشتباه است، زیرا:

اولاً بسیاری از علمای اصول، ادله قرآن، سنت، اجماع و عقل را پذیرفته‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۶۱-۱۷۰)

ثانیاً آیات متعددی در قرآن کریم، دال بر حجیت سخنان پیامبر ﷺ وجود دارد و همچنین طبق آیات دیگر اطاعت از جانشینان پیامبر و عمل به اوامر ایشان نیز مانند پیامبر واجب است. این آیات باطل کننده دیدگاه قرآن‌بستگی است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

- «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴)؛ طبق روایتی معتبر مراد از ذکر در این آیه قرآن است. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۵) بنابراین وظیفه پیامبر ﷺ تبیین قرآن است و مسلمانان باید در تبیین قرآن از سخنان پیامبر و جانشینان آن حضرت بهره‌گیری کنند.
- «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷)؛ هرچند مورد نزول

این آیه درباره تقسیم غنائم جنگی بوده است، مورد نزول مخصّص آیات قرآن نیست و این آیه شامل تمام سخنان پیامبر ﷺ، از جمله سخنان ایشان در مورد تفسیر آیات قرآن نیز می شود.

- «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)؛ طبق روایات معتبر و صحیح السند متعددی مراد از «أَهْلَ الذِّكْرِ» در این آیه ائمه علیهم السلام هستند. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۲۹۵) بنابراین مسلمانان باید در تمام مسائلی که به آن آگاهی ندارند، از جمله در تفسیر قرآن، از سخنان ائمه بهره گیری کنند.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)؛ در روایتی معتبر و صحیح السند، مصداق انحصاری اولی الامر در این آیه، معصومان علیهم السلام دانسته شده و در این روایت گفته شده است که تمام مردم در تمام امور (از جمله در تفسیر قرآن)، تا روز قیامت باید از دستورات معصومان اطاعت کنند. در این روایت امام باقر علیه السلام خطاب به مردم گفته است: «ثُمَّ قَالَ لِلنَّاسِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» «إِنَّا عَنَى خَاصَّةً، أَمَرَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِطَاعَتِنَا. فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازَعًا فِي أَمْرٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶)؛ خداوند خطاب به مردم فرموده است: «ای اهل ایمان، از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و همچنین از صاحبان امر خودتان اطاعت کنید» خداوند [از عبارت اولی الامر] فقط ما ائمه را قصد کرده است، [و فقط ما وایان امر هستیم] خداوند همه مؤمنان را تا روز قیامت به اطاعت ما امر فرموده [زیرا خداوند می فرماید]: چون از نزاع و اختلاف درباره امری ترسیدید، آن را به خدا و رسول و والیان امر [که همان ائمه هستند] ارجاع دهید.»

ثالثاً علاوه بر ادله قرآنی بر حجیت خبر واحد، دلیل سنت نیز قابل خدشه نیست؛ زیرا مضمون بیش از صد روایت معتبر و صحیح السند بر حجیت خبر واحد دلالت دارد و این احادیث، تواتر مضمونی دارد. بنابراین اشکال دور پیش نمی آید، زیرا بر اثبات حجیت خبر واحد با روایات متواتر، اشکالی وارد نیست.

رابعاً دلیل انسدادی را که حکمی زاده نقل کرده است، اکثر علمای اصولی رد کردند و باب علم را منسید نمی‌دانند و فقط یک یا دو نفر از علما قائل به انسداد باب علم هستند. (خمینی، بی تا، ص ۳۱۶).

خامساً علاوه بر آیات و روایات مذکور، علی‌اکبر حکمی زاده هیچ توجهی به حدیث متواتر ثقلین^۳ نداشته است. طبق حدیث متواتر ثقلین، تا روز قیامت برای گمراه نشدن باید به قرآن و عترت تمسک جست و امروزه که عصر غیبت امام معصوم است، باید از روایات معتبر بهره‌گیری کرد. (نک: عارفی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۴-۲۵۹)

سادساً سخن حکمی زاده درباره رد دلیل سیره عقلا باطل است؛ زیرا وی حجیت سیره عقلا را زمانی که دلیلی بر رد حجیت احادیث نباشد، پذیرفته ولی به شش دلیل حجیت احادیث را رد کرده است که تمام ادله او مردود است. بنابراین دلیل بودن سیره عقلا قابل رد نیست. در ادامه، این ادله شش‌گانه وی به تفصیل نقد می‌شود.

۳-۳. نقد تفصیلی ادله حکمی زاده بر رد حجیت احادیث

حکمی زاده برای رد حجیت احادیث، ابتدا شش دلیل برای مدعای خود ذکر کرده است. (حکمی زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۴) سپس در ادامه، ادله دیگری بر رد حجیت احادیث ذکر کرده است که در ادامه به تمام آن شش دلیل و ادله دیگر وی به تفصیل پاسخ داده می‌شود.

۳-۳-۱. نقد عدم سازگاری بسیاری از احادیث با عقل

اولاً روایاتی که حکمی زاده مخالف عقل می‌داند (مانند پیر داشتن جبرئیل)، مخالف عقل برهانی نیست، بلکه با عقلی که مربوط به مادیات است و وجود امور غیرمادی را نفی می‌کند، ناسازگار است. با این استدلال باطل وی باید وجود خدا و آخرت را نیز نفی کرد.

ثانیاً بر فرض که برخی از روایات با عقل برهانی سازگار نباشد، باید فقط همان روایات را کنار گذاشت نه اینکه تمام روایات دیگر را نیز به خاطر آن دسته از روایات کنار بگذاریم. (خمینی، بی تا، ص ۳۱۷)

ثالثاً حکمی زاده برای بیان نمونه‌هایی از احادیثی که بر آن اشکال دارد، فقط از کتاب بحار الانوار نقل کرده که بر این مطلب چندین اشکال وارد است که عبارت‌اند از:

هدف علامه مجلسی از نگارش کتاب *بحار الانوار*، جلوگیری از نابودی احادیث بوده و قصد نداشته است که فقط احادیث صحیح و معتبر را در این کتاب نقل کند. (همان، ص ۳۱۹)

اگر کسی اندکی با علم حدیث آشنا باشد، برای استناد به روایات در مباحث علمی به کتاب‌های حدیثی قدما و دست‌اول ارجاع می‌دهد، نه به کتاب *بحار الانوار* که برگرفته از منابع متقدمان است؛ زیرا *بحار الانوار* احادیث سایر کتب را نقل کرده است و برای نقد حدیث باید به منبع اصلی ارجاع داده شود.

۲-۳-۳. نقد عدم سازگاری بسیاری از احادیث با علم یا حس

مؤلف اثر *اسرار هزارساله* احادیثی را که با حس و علم ظاهری قابل درک نبوده، ناسازگار با حس و علم دانسته است. درحالی‌که تمام احادیثی که وی به آن‌ها اشکال کرده، از حیطة علم و حس ظاهری خارج است که برخی از احادیث استنادشده توسط وی و اشکال استناد وی به آن احادیث عبارت‌اند از:

- احادیث مربوط به فلکیات و آسمان‌ها (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۶): آیا حکمی‌زاده بر تمام آسمان‌ها تسلط داشته که به این روایات اشکال کرده است؟
- احادیث مربوط به مشرق و مغرب زمین (همان‌جا): آیا وی نسبت به تمام کرات و کھکشان‌های دیگر که در مشرق و مغرب زمین وجود دارند، احاطه کامل داشته که به حدیث جابلقا اشکال کرده است؟ (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۷، ص ۴۷، ح ۹)
- احادیث مربوط به خلقت ماه (همان، ص ۵۷): آیا وی از چگونگی خلقت ماه باخبر بوده است؟
- احادیث مربوط به کره مریخ و زحل (همان‌جا): آیا وی بر تمام کرات دیگر احاطه داشته است؟
- احادیث مربوط به فرشتگان و وظایف آن‌ها (همان، ص ۵۷ و ۵۸): آیا وی از امور فرشتگان باخبر بوده است؟
- احادیث مربوط به بهشت و جهنم (همان، ص ۵۷): آیا وی بهشت و جهنم را دیده بوده است؟

۳-۳-۳. نقد نمونه‌های احادیث انکار شده توسط حکمی زاده

حکمی زاده در انتها برای انکار حجیت تمام احادیث، نمونه‌هایی از احادیث منقول از کتاب بحار الانوار را بدون ذکر آدرسی از کتب متقدمان ذکر کرده است. (حکمی زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۸-۵۶) به این مطلب چندین اشکال وارد است:

اولاً اشکال به احادیث نقل شده در کتاب بحار الانوار، بدون ذکر منبع اصلی آن، شیوه نقد علمی احادیث نیست، زیرا بحار الانوار از کتب متأخران است. ثانیاً بر فرض وجود روایات غیر معتبر در کتاب بحار الانوار، نباید حجیت تمام روایات را انکار کرد.

ثالثاً برای نقد حدیث باید اعتبار حدیث و دلالت آن بررسی شود. برای دستیابی به اعتبار حدیث، باید منبع اصلی آن حدیث و سند آن بررسی شود. ولی حکمی زاده در تبیین نمونه‌ها، فقط ترجمه حدیث را ذکر کرده است و منبع اصلی آن و سند حدیث و حتی متن عربی آن را ذکر نکرده است. علاوه بر این درباره دلالت حدیث نیز به اشتباه سخن گفته است.

برای مثال حکمی زاده در ذکر اولین نمونه، به احادیثی که گویای دو شهر در مغرب و مشرق است و جابلقا و جابلسا نام دارد، اشکال وارد کرده و منکر صدور چنین احادیثی شده است. ولی منبع اصلی این روایت و سند آن را ذکر نکرده و فقط گفته است: «خدا را دو شهری است یکی در مشرق (جابلقا) و دیگری در مغرب (جابلسا) که هریک از آن‌ها دارای دیواری است از آهن و هر دیواری دارای هزار هزار در است و در آن‌ها هفتاد هزار هزار زبان است که امام همه آن‌ها را می‌داند و بر همه حجت است و در جای دیگر می‌گوید که آن‌ها نه کاری دارند و نه حرفی جز ولایت ما و نفرین بر آن دو نفر.» (همان، ص ۵۶)

با جست‌وجو در منابع روایی، به نظر می‌رسد منظور حکمی زاده از عبارت فوق، این روایت است: «ابن یزید عن ابن ابي عمير عن بعض رجاله عن ابي عبد الله قال قال الحسن بن علي ع إن لله مدينتين إحداهما بالمشرق والأخرى بالمغرب عليهما سور من حديد و علي كل مدينة ألف ألف باب مصرعين من ذهب و فيها سبعون ألف ألف لغة يتكلم كل لغة بخلاف لغة صاحبها و أنا أعرف جميع اللغات و ما فيهما و ما

بَيْنَهُمَا وَمَا عَلَيْهِمَا حُجَّةٌ غَيْرِي وَغَيْرُ أُخِي الْحُسَيْنِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۱۹۲) علامه مجلسی عبارت فوق را از کتاب *الاختصاص* نقل کرده است. این روایت را صاحب کتاب *بصائر الدرجات* نیز نقل کرده است که علامه مجلسی در مجلدات دیگر کتاب *بحار الانوار* این روایت را از *بصائر الدرجات* نقل کرده است. (همان، ج ۲۷، ص ۴۱، ج ۴۳، ص ۳۳۷ و ج ۵۴، ص ۳۲۷) علاوه بر این، روایت فوق در کتاب *الكافی* نیز نقل شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۹) البته سند این روایت از کتاب *كافی* عبارت است از: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْحَسَنَ ع قَالَ.» (همان‌جا)

علاوه بر اشکالات سه‌گانه فوق، چند اشکال دیگر نیز بر ذکر این نمونه از حکمی‌زاده وارد است که عبارت‌اند از:

۱. در تمام اسناد این روایت فردی مجهول وجود دارد و بعد از ابنِ اَبی عُمَيْرٍ، عبارت «عن رجاله» ذکر شده که این راوی مجهول است.
۲. با چشم‌پوشی از اشکال سندی فوق و بر فرض صدور چنین روایتی، گویا حکمی‌زاده منکر تمام چیزهایی شده است که با چشم دیده نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که در کرات دیگر، که در مشرق و مغرب کره زمین قرار دارند، موجوداتی با چنین صفاتی وجود داشته باشد و انسان‌ها از آن بی‌خبر باشند و آن موجودات را ندیده باشند. با این استدلال حکمی‌زاده که منکر تمام موجودات دیده‌نشده توسط انسان‌ها شده است، وی می‌بایست منکر وجود خدا نیز بشود؛ درحالی‌که حتی نزد خود او چنین استدلالی از ریشه باطل است.

۴-۳-۳. نقد ناسازگاری احادیث با یکدیگر

یکی دیگر از ادله‌های حکمی‌زاده بر ردّ کلی تمام احادیث، ناسازگاری احادیث با یکدیگر است؛ بدین بیان که وی گفته است: «بیشتر این‌ها [احادیث] خودشان با هم نمی‌سازند و کتاب‌های حدیثی پر است از این‌ها.» (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۴) در نقد این سخن وی گفته می‌شود:

اولاً ما نیز قبول داریم که احادیث متعارض وجود دارد و به همین دلیل برای استنباط معارف و احکام از احادیث تخصص لازم است. ولی اکثر این تعارضات با اصول و قواعدی قابل حل است (نک: احسانی فر لنگرودی، ۱۴۳۲ق، ص ۶۰۹-۶۱۰) و کتب بسیاری (از جمله کتب اصول فقه) نیز در زمینه راه حل تعارض اخبار نوشته شده است. (نک: آخوند خراسانی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۳۵-۴۶۰؛ انصاری، ۱۴۱۶ق، ص ۷۵۰-۸۲۴) شیخ طوسی که یکی از محدثان متقدم و صاحبان کتب اربعه حدیث است، کتاب *الاستبصار* را برای رفع تعارض احادیث نگاشته است که با مراجعه به مقدمه و متن این کتاب بسیاری از راه حل های رفع تعارض اخبار مشخص می شود. (نک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴ و ۵). علاوه بر این بسیاری از تعارض ها، مانند تعارض عام و خاص، تعارض بدوی و غیرمستقر است و با قواعد فهم حدیث، قابل حل و رفع است.

ثانیاً تنافی و تعارض و اختلافات علمی، در تمام علوم دیگر نیز وجود دارد ولی هرگز نمی توان گفت که به سبب این اختلافات تمام علوم باطل است. (خمینی، بی تا، ص ۳۲۵)

۳-۵. نقد وجود روایات جعلی در کتب حدیثی

یکی دیگر از ادله های حکمی زاده بر رد احادیث، وجود روایات جعلی در کتب حدیثی است؛ چنانکه ایشان گفته: «می دانیم بسیاری از این احادیث ساختگی است (کتاب های درباره حدیث موضوع یا مجعول دیده شود).» (حکمی زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۴) در نقد این سخن گفته می شود:

اولاً ایشان گفته که بسیاری از احادیث جعلی است، ولی یک نمونه حدیث جعلی نیز ذکر نکرده و برای مشاهده نمونه گفته است که به کتب داریه مراجعه شود؛ در حالی که بسیاری از علما بر جعلی بودن آن احادیثی که طبق نظر برخی جعلی محسوب شده، نقد وارد کرده اند. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ص ۵۲۹؛ محمدی ری شهری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۵-۱۶۷)

ثانیاً روایات شیعه در چندین مرحله توسط معصومان و راویان و محدثان پالایش شده و اکثر احادیث جعلی از منابع معتبر حدیثی شیعه حذف شده است؛ برای مثال، یونس بن عبدالرحمن با عرضه کتاب های حدیثی به امام رضا علیه السلام و با شیوه هایی که از

ایشان آموخته بود، به پالایش احادیث می‌پرداخت. (استادان دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵) بنابراین بر فرض وجود روایات جعلی در کتب حدیثی معتبر، تعداد آن انگشت‌شمار است.

ثالثاً هیچ عاقلی برای وجود کمتر از ۱٪ روایات جعلی در کتابی، کل آن کتاب حدیثی را کنار نمی‌گذارد.

۳-۳-۶. نقد ظنی بودن احادیث

حکمی‌زاده در ادامه در رد حجیت احادیث گفته است: «این اخبار ظنی است و به حکم عقل و قرآن پیروی ظن جایز نیست» (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۴) در ادامه، این دلیل نیز مانند سایر ادله وی نقد و رد می‌شود.

ظن دو نوع است: معتبر و غیرمعتبر. ظن معتبر ظنی است که با دلیل قطعی، شارع آن را معتبر دانسته است. بنابراین دلیل حجیت آن قطعی است. علمای اصول در کتب اصولی، به تفصیل درباره حجیت خبر واحد بحث کردند و غالب علما خبر واحد را ظن معتبر و حجت می‌دانند. البته تعداد اندکی از علما مانند سید مرتضی، هرچند که خبر واحد غیرمقرون به قراین را حجت نمی‌دانند، در مورد روایات کتب قدما، مانند کتب اربعه گفته‌اند که تمام روایات کتب اربعه مقرون به قراین دال بر صدور است و آن‌ها را حجت دانسته‌اند. (نک: مهریزی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۵) پس این علما نیز در عمل با علمای دیگر هم نظرند و اکثر روایات را قابل استناد می‌دانند. در نتیجه تا به اینجا تمام ادله شش‌گانه حکمی‌زاده مبنی بر رد حجیت احادیث مردود است. بنابراین طبق سیره عقلا خبر واحد حجت است.

۳-۴. نقد دیدگاه حکمی‌زاده مبنی بر تأویل‌های نامربوط احادیث

حکمی‌زاده در ادامه بر تأویل احادیث اشکال گرفته و این اشکال را به تأویل آیات قرآن نیز سرایت داده است؛ وی گفته است: «شاید این احادیث تأویل داشته باشد ولی تأویل هم کار بسیار بی‌جایی است؛ زیرا مسلم است که اگر عاقلی سخنی بگوید مقصودش همان چیزی است که عرف از آن می‌فهمد... و اگر غیر از این باشد نظام زندگی به هم می‌خورد... چنان‌که همین کار را با قرآن کردند... و نیز همین کار را با حدیث کردند و در نتیجه یک زمان با تأویل‌های خنکی آن را با علوم قدیم تطبیق

نمودند و چون آن‌ها عوض شد آن‌ها هم طرز تأویل را عوض کردند، در صورتی که نه آن درست و نه این.» (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۵) در نقد این سخنان وی گفته می‌شود:

اولاً تأویل‌پذیر بودن برخی از آیات و روایات امری غیرقابل انکار است و حتی در قرآن نیز از تأویل آیات سخن گفته شده و خداوند فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) ولی حکمی‌زاده هرگونه تأویلی را (اعم از تأویل آیات و روایات) مخالف عقل می‌داند و معتقد است که هر عاقلی باید سخنش را مطابق فهم عرف بیان کند. با این استدلال باطل، وی خدا را نیز غیرعاقل می‌داند، زیرا خداوند نیز در قرآن به گونه‌ای سخن گفته که آیات قرآن تأویل‌پذیر است.

ثانیاً هرکسی قادر به تأویل آیات و روایات نیست و تأویل کردن قواعد و اصولی دارد.

ثالثاً ما نیز اگر تأویلی مخالف اصول مسلم دین و عقل برهانی باشد، آن را نمی‌پذیریم.

رابعاً اگر تأویل‌پذیر بودن برخی از روایات دلیلی بر رد تمام روایات باشد، بنابراین با همین استدلال و طبق آیه هفتم سوره آل عمران باید تمام آیات قرآن را نیز رد کنیم؛ درحالی که هیچ عاقلی قائل به چنین مطلبی نیست.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که حکمی‌زاده گفته است که در قرآن و حدیث نسخ زیاد داریم و این را دلیلی بر رد اخبار دانسته است؛ ولی این مطلب باطل است، زیرا در قرآن و احادیث نسخ زیادی وجود ندارد (نک: مسعودی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۹۷) و ایشان برای نسخ روایات حتی یک نمونه مثال نیز نیاورده است. حتی طبق نظر مرحوم امام یافتن یک ناسخ و منسوخ در احادیث نیز کاری دشوار است. (خمینی، بی‌تا، ص ۳۱۴)

۵.۳. نقد دیدگاه حکمی‌زاده مبنی بر وجود روایات ضعیف فراوان در منابع حدیثی

حکمی‌زاده در کلامی گفته است که فقط ۱۲٪ از روایات معتبرترین کتاب حدیثی

شیعه، یعنی کتاب کافی صحیح است و بقیه روایات آن ضعیف و غیرقابل استناد است. در ضمن گفته است بر همان ۱۲٪ روایات صحیح نیز اشکالات شش‌گانه مذکور وارد است. (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۵) اشکالات این کلام در ادامه خواهد آمد. اولاً حکمی‌زاده برای بیان نمونه‌های احادیثی که آورده به بحار الانوار آدرس داده است نه کتاب کافی.

ثانیاً ایشان طبق کدام مبنا، فقط ۱۲٪ از روایات کتاب کافی را صحیح دانسته است؟ ثالثاً آیا به صرف ضعف سندی یک روایت، باید آن روایت را کنار گذاشت؟

برای نقد این سخن حکمی‌زاده باید به تفصیل به دو سؤال زیر پاسخ داد.

- مبانی پذیرش و حجیت احادیث چیست؟

- تعداد روایات (درصد روایات) غیرقابل پذیرش در کتاب کافی طبق هر مبنا چقدر است؟

در ادامه این مقاله به تفصیل به دو پرسش فوق پاسخ داده می‌شود.

۴. تبیین مبانی حجیت احادیث

مطالب حکمی‌زاده در بخش احادیث از کتاب اسرار هزارساله، در صدد رد حجیت تمام احادیث است که برخی از مطالب وی در بخش قبل نقل و رد شد. در این بخش مبانی حجیت احادیث نزد علما تبیین می‌شود تا مشخص گردد که حکمی‌زاده به هیچ‌یک از این مبانی پایبند نیست و سخنان وی از ریشه باطل است؛ برای مثال وی قائل است که فقط ۱۲٪ از روایات کتاب کافی صحیح است، ولی در ادامه با تبیین مبانی حجیت احادیث روشن می‌شود که این سخن وی با هیچ‌یک از مبانی سازگار نیست و تعداد روایات صحیح کتاب کافی بسیار بیشتر از این مقدار است.

۴-۱. مبانی پذیرش و حجیت احادیث

در حجیت حدیث دو مبانی کلی وجود دارد: الف. حجیت تعددی: زیرمجموعه این مبنا سه قول است؛ ب. حجیت عقلایی.

الف. حجیت تعددی: در این مبنا باید به دستورات شارع پایبند باشیم. به بیان واضح‌تر شارع مقدس (خداوند یا معصومان) برای حجیت حدیث روش خاصی معرفی کرده‌اند و برای بهره‌گیری از حدیث باید تابع آن روش معرفی شده توسط شارع باشیم.

در این مبنا اقوال متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. **حجیت خبر دارای راوی عادل:** قائلان به این مبنا به آیه «یا ایها الذین آمنوا إن جاءکم فاسقٌ بنیاً فتابیئوا» (حجرات: ۶) استناد کرده و طبق مفهوم مخالف قائل‌اند خبر عادل نیاز به تبیین ندارد.

۲. **حجیت خبر ثقه:** مفهوم عادل فراتر از ثقه است. طبق این مبنا احادیث موثق نیز حجت است. قائلان به این مبنا نیز به روایات متعدد از جمله این روایت استناد کردند که حسن بن علی بن یقظین گفت: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَّاعِ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي لَا أَكَادُ أَصِلُ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ عَنْ كُلِّ مَا أُحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي، أَفِيؤُسُّ بِنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ثِقَةً أَخَذَ عَنْهُ مَا أُحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي فَقَالَ نَعَمْ.» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۹۰)

۳. **حجیت روایات مشهور:** قائلان به این مبنا طبق روایت «خُذْ مَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَدَعْ مَا نَدَرَ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۲۹) احادیث مشهور را حجت می‌دانند و احادیث شاذ را رد می‌کنند.

ب. **حجیت عقلایی:** عقلا طبق معیارهایی، هر گزاره‌ای را که وثوق و اطمینان به آن حاصل شود می‌پذیرند و اگر با ملاحظه آن معیارها، اطمینان به صدور گزاره‌ای حاصل نشود، آن گزاره را نمی‌پذیرند. (نک: ربانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۰)

مبنای برگزیده در پذیرش حدیث نیز همین مبناست؛ به این مبنا اعتبار روایت موثق الصدور نیز گفته می‌شود و برخی از معیارها و قراین اطمینان به صدور روایات عبارت‌اند از (نک: حسینی شیرازی، ۱۳۹۸ش، ۱۰۱-۸۶):

- منبع روایت: بررسی قدمت و اعتبار منبع حدیثی.
- راوی حدیث: بررسی وثاقت و صداقت راوی.
- مضمون خبر: بررسی سازگاری حدیث با عقل برهانی، سازگاری حدیث با علم قطعی، عدم مخالفت حدیث با قرآن و محکّمات دین و ...
- عمل علما به خبر: بررسی عمل علما و خبرگان به مضمون آن خبر یا رویگردانی از آن.

• مؤیدات روایی: بررسی روایات مشابه و شاذ بودن یا شاذ نبودن روایت.

۲-۴. تعداد روایات غیرقابل پذیرش در کتاب کافی طبق هر مبنا

حکمی‌زاده در کتاب *اسرار هزارساله*، بدون اقامه هیچ‌گونه دلیلی تعداد روایات صحیح کتاب کافی را ۱۲٪ دانسته است. (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲ش، ص ۵۵) ولی این حرف باطل است و بطلان این حرف اکنون اثبات می‌شود. در کتاب کافی حدود ۱۶۲۰۰ روایت وجود دارد، در ادامه طبق هرکدام از مبانی حجیت تبعدی و حجیت عقلایی، تعداد تقریبی روایات معتبر کتاب کافی بیان می‌شود.

الف. طبق مبناى حجیت تبعدى

۱. طبق مبناى حجیت خبر عادل

- برخی از علما مانند علامه مجلسی در *مرآة العقول*، حدود ۶۰۰۰ روایت را دارای سند صحیح دانسته است (حدود ۳۷٪ از روایات کتاب کافی).

- برخی دیگر از محققان در معناى عدالت راوی سختگیرتر بودند؛ مانند محمدباقر بهبودی که بسیار در عادل بودن راویان سختگیر بوده است، در کتاب *الصحیح من الکافی* حدود ۴۰۰۰ روایت کتاب کافی را دارای سند صحیح می‌داند (حدود ۲۵٪ از روایات کتاب کافی).

۲. طبق مبناى حجیت خبر دارای راوی ثقه

طبق نرم‌افزار *درایة النور*، حدود ۱۰۰۰۰ حدیث از کتاب کافی دارای سند صحیح یا موثق است؛ بنابراین این روایات طبق مبناى حجیت خبر دارای راوی ثقه معتبر است (حدود ۶۲٪ از روایات کتاب کافی).

۳. طبق مبناى حجیت خبر مشهور

- برخی از علما مانند شیخ حر عاملی، تمام روایات هر کتاب مشهوری را حجت می‌دانند. طبق این نظر تمام روایات کتاب کافی معتبر است؛ زیرا کتاب کافی از مشهورترین کتب حدیثی شیعیان است.

- اما برخی دیگر از علما ملاک مشهور بودن را شاذ نبودن روایت دانسته‌اند. طبق این مبنا نیز تعداد روایات معتبر کتاب کافی بیش از ۸۰٪ خواهد بود.

ب) طبق مبناى حجیت عقلایی

- طبق این مبنا نیز بیش از ۹۰٪ روایات کتاب کافی همراه با قراین دال بر

صدور است.

- آیت الله خوئی به نقل از استاد خود، آیت الله نائینی گفته است: «و قد ذکر غیر واحد من الأعلام أن روایات الکافی کلها صحیحة و لا مجال لرمی شیء منها بضعف سندها. و سمعت شیخنا الأستاذ الشیخ محمد حسین النائینی (قدس سره) فی مجلس بحثه یقول: "إن المناقشة فی أسناد روایات الکافی حرفة العاجز."» (خوئی، ۱۳۴۱ق، ج ۱، ص ۸۱)

۳-۴. جمع بندی مبانی اعتبار احادیث

۱. بنا بر مطالب فوق، طبق هیچ یک از مبانی پذیرش احادیث، نمی توان گفت که فقط ۱۲٪ از روایات کتاب کافی معتبر است. حتی محمدباقر بهبودی که سختگیرترین مبنا را داشته است، ۲۵٪ از روایات کتاب کافی را دارای سند صحیح دانسته است. پس سخن حکمی زاده مبنی بر صحیح دانستن ۱۲٪ از روایات کتاب کافی، باطل است.

۲. طبق نظر برگزیده مبنای حجیت عقلایی و اعتبار روایات موثوق الصدور، قابل قبول است و طبق این مبنا باید قراین دال بر صدور، در تک تک روایات بررسی شود و سپس به اعتبار یا عدم اعتبار روایتی حکم کرد. بنابراین طبق مبنای برگزیده و اعتبار روایت موثوق الصدور، به صرف ضعف سندی روایتی نمی توان آن را رد کرد.

۳. بر فرض اینکه روایتی برای شخصی طبق مبنای برگزیده اش قابل پذیرش نبود، طبق دستور معصومان علیهم السلام نباید آن روایت را رد کرد، بلکه باید توقف کرد و علم آن سخن را به اهلش سپرد. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَهُ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَ قِفُوا عِنْدَهُ وَ سَلِّمُوا إِذَا تَبَيَّنَ لَكُمْ الْحَقُّ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۶)

۴. فهم برخی از روایات مشکل است و نباید روایات را با عقل خود بسنجیم و در صورت عدم فهم، آن روایت را رد کنیم؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمودند: «حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَضَعْبٌ لَا يُؤْمَنُ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَمَا عَرَفَتْ قُلُوبُكُمْ فَخَذُّوهُ وَ مَا أَنْكَرَتْ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا.» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱)

۵. نتیجه‌گیری

۱. در این پژوهش تمامی ادله منقول از حکمی‌زاده، بر رد حجیت احادیث تحلیل، نقد و رد شد. بنابراین بهره‌گیری از احادیث معتبر در تمام مباحث دینی (از جمله در تفسیر قرآن)، نه تنها جایز بلکه ضروری است.

۲. ادله متعددی بر حجیت بهره‌گیری از احادیث معتبر در تمام علوم، از جمله تفسیر قرآن وجود دارد که در این مقاله به ادله قرآنی، روایی و عقلی متعددی اشاره شد. بنابراین برای فهم صحیح قرآن باید از روایات بهره‌گیری کرد؛ البته بهره‌گیری از روایات در تفسیر قرآن به معنای عدم بهره‌گیری از منابع دیگر، مانند قرآن و عقل نیست و طبق نظر برگزیده در تفسیر قرآن باید از تمام منابع معتبر مانند آیات دیگر، روایات معتبر و عقل برهانی بهره‌گیری شود.

۳. هیچ عالم و فقیهی نمی‌تواند در عمل، قائل به قرآن‌بستگی در دین باشد، زیرا جزئیات احکام دین، مانند تعداد رکعات نماز در قرآن بیان نشده است و بسیاری از امور دینی را باید از روایات معتبر فهمید و برای یافتن مسیر هدایت باید از قرآن و روایات بهره‌گیری شود؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بارها در روایت متواتر تقلین، تمسک به هر دو ثقل قرآن و عترت را موجب عدم گمراهی دانستند و امروزه که در عصر غیبت امام هستیم، برای تمسک به عترت باید از روایات معتبر بهره‌گیری شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی‌اکبر حکمی‌زاده در سال ۱۲۷۶ش در قم و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. پدر وی، شیخ مهدی قمی پایین‌شهری، از علمای مشهور قم بود. (نک: جعفریان، ۱۳۹۸ش، ص ۳۱-۴۸) چنان‌که مرحوم آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی هنگامی که از اراک به قم آمد تا حوزه علمیه قم را تأسیس کند، در منزل شیخ مهدی قمی اقامت کرد. (همان، ص ۳۳) علی‌اکبر حکمی‌زاده در حوزه علمیه قم و مدرسه رضویه تحصیل کرد و مورخان او را از خطیبان سخنور و روضه‌خوانان خوش صدا دانسته‌اند. (اخوان‌مقدم، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳۹) حکمی‌زاده متأثر از احمد کسروی بود و از شاگردان شریعت سنگلجی محسوب می‌شد و تفکرات قرآن‌بستگی در دین داشت. وی منتقد اعمال و عقاید شیعیان بود و کتاب *اسرار هزارساله* را به همین منظور نوشت. (همان، ص ۱۳۹) حکمی‌زاده برخی از مطالب خود در رد عقاید شیعه را در نشریه *همایون* انتشار داده است. (نک: جعفریان، ۱۳۹۸ش، ص ۷۷-۸۲)

مهم‌ترین آثار علی‌اکبر حکمی‌زاده عبارت‌اند از: *راه نجات از آفات تمدن عصر حاضر*، *آیین پاک*، *اسرار هزارساله* و *نشریه همایون*. حکمی‌زاده در کتاب *اسرار هزارساله*، مسائلی از قبیل احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن، ابدی بودن قوانین اسلام، ناسازگاری برخی از احادیث با عقل و زندگی و علت عدم علاقه مردم به دین را به صورت طرح سؤال به چالش کشیده و از علما در مورد آن پاسخ خواسته است. (مؤدب و همکاران، ۱۳۹۳ش، ص ۱۲۴) آخرین و مهم‌ترین اثر مکتوب وی، کتاب *اسرار هزارساله* است. این کتاب مختصر در مجله پرچم در سال ۱۳۲۲ به چاپ رسید. این کتاب شامل ۶ گفتار و ۱۳ پرسش است و با لحن تندی عقاید شیعه را نقد کرده است. عناوین گفتارهای این کتاب عبارت‌اند از: خدا، امامت، روحانی، قانون و حدیث. برخی از علما، پاسخ مطالب وی را دادند که یکی از آن‌ها امام خمینی است که کتابی مفصل با عنوان *کشف اسرار* را در نقد مطالب این کتاب نوشت. محور مطالب این مقاله، نقد برخی از مطالب وی در مورد احادیث در این کتاب است.

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَقَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يَسْمَعْ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يَسْمَعْ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷)

۱. طبق نظر اکثر علما از جمله علامه طباطبایی حدیث تقلین متواتر است. (نک: طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۳)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، قم: دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۵. احسانی فر لنگرودی، محمد، *اسباب اختلاف الحدیث*، ج ۳، بیروت: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث، ۱۴۳۲ق.
۶. اخوان‌مقدم، زهره و همکاران، «شخصیت‌شناسی و منبع‌شناسی قرآنیون»، فصلنامه تخصصی *مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳۵-۱۵۷.

۷. استادان دانشکده علوم حدیث، *آشنایی با حدیث*، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۸. الهی‌بخش، خادم‌حسین، *القرآنیون و شبهاتهم حول السنة*، ج ۱، طائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۰۹ ق.
۹. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، ج ۵، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. جعفریان، رسول، *علی‌اکبر حکمی‌زاده در چهار پرده*، ج ۱، قم: نشر مورخ، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. حسینی شیرازی، سید علیرضا، *اعتبارسنجی احادیث شیعه*، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۹۸ ش.
۱۲. حکمی‌زاده، علی‌اکبر، *اسرار هزارساله*، ج ۱، بی‌جا: پرچم، (ketabton.com)، ۱۳۲۲ ش.
۱۳. خمینی، روح‌الله، *کشف اسرار*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۴. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ۵، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. ربانی، محمدحسن، *سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث*، ج ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. روشن‌ضمیر، محمدابراهیم، *جریان‌شناسی قرآن‌بسنده‌گی*، ج ۱، تهران: سخن، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. سبحانی، جعفر، *الموجز فی اصول الفقه*، ج ۱۴، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. شریفی، علی، *جریان‌شناسی مطالعات قرآنی معاصر*، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ ش.
۱۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، ج ۲، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۴۰۴ ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، *قرآن در اسلام*، ج ۳، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. طباطبایی، سید محمدکاظم، *منطق فهم حدیث*، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. طوسی، محمد، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۳. عارفی، خلیل، «بررسی تطبیقی دیدگاه بی‌نیازی تفسیر قرآن از احادیث و دیدگاه همراهی قرآن و حدیث در تفسیر»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۹۸ ش، ص ۲۴۷-۲۷۳.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. محمدی ری‌شهری، محمد، *درآمدی بر تفسیر جامع روایی*، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۲۸. مسعودی، عبدالهادی، *روشن‌فهم حدیث*، ج ۹، تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
۲۹. مهریزی، مهدی، *حدیث‌پژوهی*، ج ۲، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.

۲۹۰ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۳۰. مؤدب، سید رضا و همکاران، «نقد قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به سنت»،

دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۳ش، ص ۱۲۲-۱۳۷.

۳۱. نصیری، علی، رابطه قرآن و سنت، قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۹ق.